

تبیین شاخصه‌های مدیریت اسلامی در جامعه منتظر مهدوی

(بر اساس بیانات مقام معظم رهبری)

فاطمه مخلص‌آبادی فراهانی^۱

چکیده

نظام ارزشی اسلام، با گستردگی و انسجام بنیادین خود، چارچوبی منسجم برای مدیریت ترسیم می‌کند و جهت‌گیری عملکرد مدیران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پیوند میان «اسلام» و «مدیریت»، برای درک عمق نفوذ آموزه‌های دینی بر شیوه‌های اداره امور است. با عنایت به نگاه مقام معظم رهبری (مدّ ظلّه‌العالی) به مفهوم «انتظار»، مدیریت نقشی حیاتی در شکل‌دهی جامعه منتظر ایفا می‌کند؛ ازاین‌رو، مدیران باید تجلی این ارزش‌ها در عمل باشند. در این منظومه، شناخت شاخصه‌های مدیریت اسلامی، یک ضرورت اجتماعی برای آحاد جامعه است. این امر پرسش کلیدی را مطرح می‌سازد که شاخصه‌های مدیر تراز اسلام در جامعه منتظر مهدوی چیست؟ هدف این پژوهش، با تکیه بر منابع نقلی و عقلی و روش توصیفی-تحلیلی، تبیین همین شاخصه‌ها در بستر جامعه منتظر مهدوی است. نتایج مهم‌ترین معیارهای را در ابعاد فردی (شامل ایمان، عدالت و تقوا) و اجتماعی (مانند امانت‌داری و مبارزه با فساد) نشان می‌دهد.

کلید واژه‌ها: شاخصه، مدیریت، جامعه منتظر، مقام معظم رهبری.

^۱. استاد حوزه علمیه خواهران استان قزوین (کوثر)، mobint767@gmail.com

انتظار دنیایی بهتر و امید به آینده‌ای روشن‌تر در پرتو انقلاب جهانی منجی موعود و مصلح جهانی، یک اندیشه و عقیده فراگیر است. در نگاه شیعی، اندیشه مهدویت از بالاترین جایگاه یعنی جایگاه اعتقادی برخوردار است. رسیدن به جامعه آرمانی مصلح موعود آرزوی تمامی انسان‌ها در هر دین و مسلکی است. انقلاب اسلامی در ایران، زمینه و بستر مناسبی برای ایجاد دولت اسلامی شد تا با انتخاب و راهبری مدیران شایسته بتواند زمینه ساز این ظهور باشد.

مدیریت صحیح و بر پایه مبانی اسلام از ضروریات جامعه اسلامی است جامعه اسلامی ایران مدیران را به طور عام و کارگزاران را به طور خاص مورد توجه قرار داده که وظایف سنگینی به عهده دارند. این مدیران باید شاخصه‌هایی را داشته و به آن‌ها پایبند باشند. مدیران با تکیه بر این شاخصه‌ها می‌توانند مشکلات داخلی کشور را حل و فصل کرده، و استکبار جهانی را در مقابل تعالیم، منطق و سبک‌های مدیریتی اسلام به زانو در بیاورند و در نهایت زمینه‌ساز ظهور خورشید عظمای ولایت باشند. حال این سوال مطرح می‌گردد که شاخصه‌های مدیریت اسلامی در جامعه مهدوی بر اساس بیانات مقام معظم انقلاب، چیست؟ شاخصه‌های فردی و اجتماعی این مدیر چه باید باشد تا بتوان در سایه چنین مدیری به اهداف بلند جامعه مهدوی رسید؟

این پژوهش از آن جهت حیاتی است که بدون تعریف روشن از «مدیر تراز اسلام»، نه می‌توان مدیران را به درستی تربیت و منصوب کرد و نه جامعه قادر به مطالبه‌گری صحیح خواهد بود. مدیریت، عامل اصلی تحقق یا عدم تحقق اهداف کلان جامعه است؛ از این رو، تعیین شاخصه‌هایی که ایمان، عدالت و تقوا را در رأس معیارهای اجرایی قرار دهد، برای سلامت ساختار اداری و رسیدن به جامعه‌ای منتظر، یک ضرورت عملیاتی است. در غیر این صورت، شکاف عمیقی میان آرمان‌های نظری و عملکرد اجرایی باقی خواهد ماند.

اصول مدیریت در کتاب‌های فراوانی مطرح گردیده است از جمله:

مقاله بررسی شاخصه‌های مدیریت اسلامی و شیوه مدیریت از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) اثر یدالله محمودی و علی محمدی که به بررسی مدیریت توحیدی در جامعه اسلامی به عنوان یکی از نیازها و ملزومات اداره جامعه و پایه‌ریز تمدن اسلامی پرداخته است و با این عامل کلیدی، موفقیت در امر ساخت جامعه اسلامی را امکانپذیر می‌داند. در مقابل مدیریت توحیدی، مدیریت مبتنی بر اومانیسم مطرح کرده است که باعث انحراف بشریت از مسیر تعالی شده و زیان‌های جبران ناپذیری بر بشریت وارد نموده است.

ولایت و حکومت که مجموعه بیانات رهبر انقلاب درباره حکومت‌داری و ولایت فقیه است. این کتاب در بخش حکومت‌داری به نامه حضرت علی علیه‌السلام به مالک اشتر اشاره دارند و نکات مهمی درباره مدیریت را بیان می‌نمایند.

کتاب ما منتظریم اثر حسن مؤلایی که خورشید مهدویت را در منظومه فکری امام خامنه‌ای به تصویر کشیده؛ در بخش ششم به مبحث انتظار و وظایف منتظران پرداخته است.

کتاب تحلیلی از مدیریت اسلامی اثر اشرف سمنانی که به بررسی تحلیلی گونه‌ای از مدیریت اسلامی در دوره کوتاه ۵ سال رهبری امام علی علیه‌السلام پرداخته است.

پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی اثر محمدتقی مصباح یزدی به بحث انسان‌شناسی به منزله مقدمه علم مدیریت و سایر علوم انسانی به میان آمده، و در این باره از ارتباط انسان‌شناسی با مدیریت، راه ترویج ارزش‌های اخلاقی، انسان‌شناسی و فلسفه اخلاق، اسلام و ارزش‌های برتر در مدیریت اقتصادی سخن رانده شده است. در تمامی کتاب‌هایی که به مبحث اصول مدیریت در اسلام پرداخته‌اند. آنچه این پژوهش را از دیگر پژوهش‌ها جدا می‌سازد بیان شاخصه‌های مدیریت را در جامعه مهدوی بر اساس بیانات معظم له در دو بعد شاخصه‌های فردی و اجتماعی جمع‌آوری و تبیین نموده است.

انتظار

انتظار در لغت به معنای درنگ در امور، نگهبانی، چشم به راه بودن و نوعی امید داشتن به آینده است (مصطفوی، ۱۳۸۵: ج ۱۲، ۱۶۶). موسوی اصفهانی مؤلف «مکیال المکارم» می‌فرماید: و هو کیفیّه نفسانیّه ینبعث منها التّهیّوء لما تتنظره، وضده الیأس فکلّما کان الانتظار اشدّ کان التّهیّوء آکد... (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۲۳۵). انتظار حالتی است روحی و نفسانی که موجب آمادگی برای آنچه انتظارش را می‌کشند، می‌شود. وضد آن یأس و ناامیدی است. پس هر قدر انتظار شدیدتر باشد آمادگی نیز بیشتر خواهد بود.... امام خمینی رحمته‌الله درباره مفهوم انتظار می‌فرمایند: انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور آن شاء الله تهیه شود (خمینی، ۱۳۶۸: ج ۷، ۲۵۵). انتظار یک عمل است، یک آماده‌سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون هست، یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه زمینه‌ها (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۲۹). در اصطلاح انتظار به دو دسته تقسیم می‌شود: انتظار عام که چشم داشتن به لطف و رحمت الهی و گشایش در امور را در بر می‌گیرد که انسان با امید، کار و تلاش آینده خود را از خمودی

خارج می‌کند. و انتظار خاص که امید به آینده‌ای روشن و مطلوب را با تمام شاخصه‌های یک جامعه الهی که تنها مصداق آن، حکومت عدل حضرت مهدی (عج) است به تصویر می‌کشاند. در نتیجه انتظار دینی به معنای چشم داشت همیشگی به اینکه وعده بزرگ الهی روی می‌دهد و روزی فرا خواهد رسید که بشر در سایه عدالت کامل به رهبری حضرت (عج) زندگی خواهد کرد تعبیر می‌گردد. (صدر، ۱۳۹۷: ۲۳۶).

جامعه منتظر

مراد از جامعه منتظر جامعه‌ای است که در سیر تاریخی و حرکت اجتماعی خود چشم اندازی را ترسیم کند که به سمت حاکمیت الهی و ارزش‌های انسانی قدم برداشته و برای تحقق آن برنامه‌ریزی و اقدام کند. جامعه منتظر جامعه‌ای است که می‌تواند زمینه‌ساز دولت امام مهدی (عج) باشد پس باید ویژگی‌های متناسب و منطبق با فرآیند را زمینه‌سازی داشته باشد؛ یعنی در عین اینکه جامعه دینی است در چشم انداز خود، حاکمیت حجت الهی و ارزش‌های الهی را ببیند و بر اساس آن فکر کند و برنامه‌ریزی نماید (گروه مطالعات مدیریت راهبردی، ۱۳۹۰: ۲۷). جامعه منتظر از نظر مقام معظم رهبری: «اگر همه ما عاشورایی باشیم حرکت دنیا به سمت صلاح، سریع و زمینه ظهور ولی مطلق حق فراهم خواهد شد» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۳/۴).

مدیریت

مدیر:^۱ اداره کننده کار یا سازمان، و مدیریت (بضم میم) به معنای مدیر بودن، مدیری (مشیری، ۱۳۷۶: ۲۷). برای مدیریت تعریف‌های بسیاری ارائه شده است، ولی تعریف مدیریت اسلامی با توجه به آنچه از متون اسلامی استفاده می‌شود عبارت است از: هنر و علم به کارگیری صحیح امکانات در جهت رسیدن به اهداف مورد نظر، به نحوی که با موازین اسلامی مغایرت نداشته باشد. مهندس خلقت خداوند متعال است که ما را آفرینش بخشیده تا به کمال مورد نظر خود که همان قرب به حق است از طریق و کانال بندگی نائل گردیم. برای رسیدن به این هدف ما را آفرینش بخشید، تمام استعدادهای لازم را در وجود ما جهت رسیدن به کمال قرار داد. زمین و زمان را برای انسان خلق نمود. پیغمبر و کتاب که آئین نامه زندگی است مبعوث و نازل فرموده است. حال یک مدیر خوب و شایسته کسی است که مانند پیغمبر بر اساس دستورات الهی تمام امکانات مادی و معنوی را در راه تربیت اسلامی "یعنی شکوفائی تمام استعدادهای انسان" و به حرکت در آوردن آنان در مسیر بندگی و صراط مستقیم الهی برای رسیدن به مقصود که همان قرب الی الله است به کار گیرد. و این

^۱. modir

رسالتی است بسیار مهم، که بر دوش مدیران کشور نهاده شده تا در حد توان خود این وظیفه سنگین را به مرحله اجرا در آورند و سعادت دنیا و آخرت را تامین نمایند. و این مهم تامین نمی‌گردد مگر در پرتو برنامه‌ریزی صحیح و دقیق اسلامی که مدیر در کلیات و جزئیات برنامه مورد نظر فکر کند، چنانچه مولا امیر المومنین علیه‌السلام فرمود: "اما رات الدول انشاء الحیل" پایداری مقام و منصب‌ها و دولت‌ها مرهون برنامه‌ریزی و چاره اندیشی آن‌ها است و نیز فرمود: "التلطف فی الحیل اجدی من الوسيلة" لطافت و ظرافت در برنامه‌ریزی مهمتر از داشتن امکانات است. مدیریت اسلامی یعنی با برنامه ریزی درست و صحیح قدرت علمی صنعتی موجود را در جهت پیشرفت زندگی بکار گیرد (نبوی، ۱۳۷۵: ۳۶-۳۵). از نظر مطهری هدف از رهبری، برنامه‌ریزی گسترده و تدوین قوانین عمومی جامعه در جهت نظام کلی است. به عبارت دیگر، رهبری عبارت است از ساخت و ایجاد شاه راهی عظیم هم جهت و هم سو با اهداف کلی نظام و هدایت و ارشاد کلیه افراد و عموم طبقات جامعه در این شاه راه (اشرف سمنانی، ۱۳۶۴: ۶۳).

شاخصه‌های مدیریت اسلامی

مدیریت جامعه اصولی دارد که همان اصول «مدیریت خود» و «مدیریت جامعه» است. در مدیریت خود در حقیقت به مدیریت فردی شخص در کسب فضایل اخلاقی برای نیل به اهداف والای آفرینش اشاره می‌شود و در مدیریت جامعه به مجموعه اصولی که باعث باروری دین در ارکان جامعه و رهسپاری آن به سوی کمال مطلوب می‌شود؛ بیان می‌گردد.

الف) شاخصه‌های فردی

شاخصه‌های فردی شامل ویژگی‌هایی است که به باور، انگیزه و خودسازی درونی مدیر مربوط می‌شوند و اساس سلامت اخلاقی و تصمیم‌گیری او را تشکیل می‌دهند. از جمله این شاخصه‌ها:

۱. ایمان به خدا

«لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ» (مجادله: ۲۲)؛

نمی‌یابی قومی را که ایمان بخدا و روز قیامت آورده باشند، دوست بدارند کسانی را که مخالف با خدا و پیامبر او می‌کنند و مقصود اینست که دوستی کفار با ایمان جمع نمی‌شود و مراد بآن موالات و دوستی در دین است. هر چند که پدرانشان با فرزندانسان یا برادرانشان یا خویشاوندانشان باشد، یعنی و اگر چه خویشاوندی

تمرکز سرمایه در دست گروهی خاص، و مبارزه‌ی جدی با فساد، زمینه‌ی رشد و شکوفایی عمومی را فراهم کنند. اگر خود کارگزاران و مسئولان گرفتار دنیاطلبی و فساد شوند، نمی‌توانند عدالت را اجرا کرده یا مردم را به آبادانی و تلاش امیدوار سازند.

۶. سازندگی

دنیا بدون انسان صالح، یک پدیده‌ی بی‌جان و کور و تاریک است. آن چیزی که به عالم خاکی جان می‌بخشد، ارزش می‌دهد، نور می‌دهد و معنا و مضمون به وجود می‌آورد، انسان است (ملایی، ۱۳۹۸: ۲۰۴).

در نامه تاریخی امیرالمومنین علیه‌السلام به مالک اشتر با این که مالک اشتر انسانی است که هم مراقب خود و هم حکیم و داناست؛ یعنی نه در جایی که باید شتاب زدگی نکند، شتاب زدگی می‌کند؛ نه آنجاهایی که باید با سرعت حرکت کند، کوتاهی می‌کند. حضرت علی علیه‌السلام با چنین کسی این‌گونه سخن می‌گوید: ای مالک! زمانی که بودجه مورد نیاز آماده است و فعلاً دشمنی هم نیست. طبعاً باید به بازسازی و سازندگی پرداخته شود. یک قسم از سازندگی که از اقسام دیگر مهم‌تر است، سازندگی انسانی است. از این رو حضرت علیه‌السلام می‌فرماید: «و استصلاح اهلها» مردم را به صلاح بکشانید. صلاح با بُعد وسیع مادی و معنوی‌اش. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۳۵۶ - ۳۵۸)

در جامعه منتظر مهدوی یک مدیر لایق خود باید یک منتظر واقعی باشد تا بتواند با تبیین یک انتظار سازنده، به سازندگی انسان‌ها بپردازد. در این جامعه هر فرد نیز خود مسئول اداره و کنترل خود برای ایجاد فضای انتظار است. با بررسی نقاط ضعف خود مخلصانه در جهت اصلاح آن‌ها تلاش می‌کند. این در حقیقت یک خود کنترلی برای فرد به وجود می‌آورد؛ زیرا «انتظار، قانع نشدن و نپذیرفتن وضع موجود و تلاش برای بهتر شدن است؛ وقتی دل‌ها با مقوله مهدویت عجین شود و انس پیدا کند و حضور آن بزرگوار محسوس‌تر شود و رابطه ما بیشتر شود، این برای دنیای ما و برای پیشرفت ما به سمت آن اهداف بهتر خواهد بود (خامنه‌ای، ۱۳۸۷: ۶/۲۵). در مجموع، می‌توان گفت که اساس آبادانی جهان و نقطه‌ی آغاز هر تحول، انسان صالح و آگاه است. تا زمانی که انسان‌ها در مسیر رشد مادی و معنوی قرار نگیرند، هیچ جامعه‌ای به سامان نخواهد رسید. از نگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام، مهم‌ترین وظیفه‌ی مدیران و حاکمان، تربیت و اصلاح انسان‌ها است؛ زیرا سازندگی واقعی از درون انسان‌ها آغاز می‌شود نه از ظاهر شهرها و بناها. در جامعه‌ی منتظر مهدوی نیز، مدیران باید خود در مسیر صلاح و انتظار حقیقی گام بردارند تا بتوانند دیگران را به سوی رشد و اصلاح دعوت کنند. هر فرد منتظر نیز موظف است به خودسازی و اصلاح رفتار خویش بپردازد، زیرا انتظار واقعی یعنی نپذیرفتن وضعیت موجود و تلاش پیوسته برای رسیدن به وضعی بهتر و الهی‌تر.

نتیجه

هدف اساسی اسلام، تربیت افراد جامعه و حرکت آن به سوی ایجاد جامعه مهدوی است. این هدف بلند، جز در سایه مدیریت کارآمد دینی دست یافتنی نیست. بنابراین یک مدیر باید:

۱. ایمان به خداوند داشته و در سایه این ایمان، اعتقاد به انسان کامل و دستیابی به جامعه آرمانی را جزء اهداف خود قرار دهد.
۲. اولین اموری که یک مدیر در رابطه با افراد جامعه باید به آن پردازد؛ انسان‌سازی است. انسان‌سازی زمینه رشد خوبی‌ها و اعمال صالح را فراهم می‌آورد و ریشه منکرات را خشک می‌گرداند.
۳. مدیر باید مبارزه با فساد را از نزدیکان خود شروع کند و بعد به فساد در جامعه پردازد.
۴. ریشه کنی فساد در سایه عدم ثروت اندوزی توسط قشری خاص به وجود می‌آید. فقر جامعه را به زوال و نابودی می‌کشاند. یک مدیر لایق زمینه‌های فقر و نداری را از بین می‌برد تا مردم در کنار داشتن عدالت به آرامش نسبی دست یابند.
۵. نظارت بر کارگزاران از وظایف مدیر است. در جامعه منتظر باید معیارهای انتخاب افراد باید مطابق با شاخصه‌های اسلام و برای خدمت به خلق خدا باشد.
۶. نظارت بر کارگزاران توسط مدیر باعث می‌شود کارگزاران خطای کمتری انجام دهند و در صورت خیانت به دولت و مردم مورد مواخذه قرار بگیرند.
۷. برای رفع مشکلات جامعه به خدا توکل کند، و به جای اعتماد به کشورهای خارجی از خداوند طلب یاری نماید.
۸. مدیر جامعه منتظر اسرار مردم را فاش نمی‌کند در زندگی و آنچه از مال دنیا دارند سرک نمی‌کشد. آبروی آن‌ها را با رازداری خود حفظ می‌کند.
۹. خدمتگزار مردم نباید دست‌درازی به بیت المال کند و این منکر را در کارگزاران خود نهادینه کند، که آنچه مربوط به بیت‌المال است، بر آن‌ها مباح است.
۱۰. مدیر لایق و شایسته باید برای واگذاری امور به دست کارگزاران شایسته سالاری را مد نظر داشته و از بین جوانان و افراد با تجربه گروهی مناسب برای خدمت به مردم و جامعه انتخاب نماید.
۱۱. پایبند به انقلاب بودن و شناخت دشمن یکی دیگر از اصول مدیریتی است. یک مدیر زیرک هرگز دشمن خود را دست کم نمی‌گیرد و با دشمن خود سر یک میز به مذاکره نمی‌پردازد. زیرا خداوند در کتاب عزیز

خود بارها اشاره کرده است که آن‌ها فقط به دنبال ولایت بر شما هستند و دوستی آن‌ها با شما از روی شفقت و مهربانی نیست.

۱۲. مردم نباید به خاطر انتقادات و پیشنهادهای خود به مدیر جامعه اسلامی مورد ملامت و توهین قرار بگیرند بلکه باید کرامت آن‌ها حفظ شود زیرا آن‌ها انسان هستند و با کرامت آفریده شده‌اند.

۱۳. تقوای الهی داشته باشد و در نگه‌داری از تقوای خود کوشا باشد. برای رسیدن به پست و مقام و یا ماندن در پست خود منکرات را معروف و معروف‌ها را منکر قرار ندهد.

منابع

۱. قرآن کریم

۲. نهج البلاغه

۳. اشرف سمنانی، غلامرضا، *تحلیلی از مدیریت اسلامی*، تهران، ناشر: بعثت، ۱۳۷۴.

۴. آمدی، عبدالواحد، *غررالحکم و دررالکلم*، قم، ناشر: انتشارات دفتر تبلیغات قم، ۱۳۶۶.
۵. بحرانی، میثم بن علی، *شرح نهج البلاغه*، حبیب‌الله روحانی. ج ۴. چاپ اول. مشهد، ناشر: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس ۱۳۷۵.
۶. پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه*، تهران، ناشر: دنیای دانش ۱۳۸۲.
۷. حسین زاده، محمد علی، *مدیران و اخلاق اسلامی*، چاپ اول، ناشر: بوستان کتاب ۱۳۸۶.
۸. خامنه‌ای، علی، *ولایت و حکومت*، چاپ سوم، گردآوری و تنظیم متن: مرکز صها ۱۳۹۱.
۹. خمینی، روح‌الله، *صحیفه نور*، چاپ ۵، تهران، ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸.
۱۰. عاملی، شیخ حر، *وسائل الشیعه*، قم، ناشر: مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، ناشر: دارالکتب الاسلامیه ۱۳۵۶.
۱۲. محمدی ری‌شهری، محمد، *میزان الحکمه*، قم، ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۴.
۱۳. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چاپ ۱، تهران، ناشر: نشر آثار علامه مصطفوی ۱۳۸۵.
۱۴. ملایی، حسن، *ما منتظریم*، چاپ چهارم، قم، ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (ع)، بهار ۱۳۹۶.
۱۵. موحدی لنکرانی، محمدفاضل، *آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)*، حسین کریمی زنجانی، چاپ اول، تهران، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۶. موسوی اصفهانی، محمد تقی، *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم*، مترجم: سید مهدی حائری قزوینی، چاپ ۲، قم، ناشر: ایران نگین، ۱۳۸۱.
۱۷. مهشید، مشیری، *فرهنگ زبان فارسی*، تهران، سروش، ۱۳۷۶.
۱۸. نبوی، محمد حسین، ۱۳۷۵، *مدیریت اسلامی*، چاپ دوم، قم، ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵.

۱۹. صدر، سید محمد، تاریخ غیبت کبری، ترجمه سید حسن افتخار زاده، ، چاپ دوم، تهران، نیک معارف، ۱۳۷۹.

سایت‌ها

۱. پناهیان، علیرضا، آخرین آمادگی برای ظهور؛ اصلاح مدیریت در خانواده و جامعه، تهران، دانشگاه امام صادق A، محرم، ۱۳۹۸/۰۶/۱۹. <http://panahian.ir>
۲. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری <https://www.leader.ir>
۳. کفیل، محمد صادق، ویژگی حکومت حضرت مهدی (عج) و جامعه منتظر در دعای افتتاح، تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۵/۲. <https://hawzah.net>

نرم افزارها

جامع الاحادیث